



قیام 30 تیر به رهبری آیت الله کاشانی 30 تیر 1331

پس از اثبات حقانیت ایران در دادگاه لاهه در خصوص ملی شدن صنعت نفت، مصدق خواستار افزایش اختیارات خود و عهده دار شدن وزارت جنگ شد.

به دنبال مخالفت شاه با این خواسته، مصدق استعفای خود را تسلیم شاه کرد و شاه بی درنگ فرمان نخست وزیری قوام السلطنه را صادر کرد.

آیتا... کاشانی و مردم ایران زمانی از این جریان اطلاع یافتند که قوام با اعلامیه شدیدالحنی آزادی‌های سیاسی را محدود کرد و با ارباب و تهدید مردم، مراکز حساس شهر را به اشغال نیروهای اشغال نیروهای نظامی درآورد.

آیتا... کاشانی به مخالفت شدید با قوام برخاست و با صدور اعلامیه‌ای مردم را به مبارزه تشویق کرد؛ این در حالی بود که دکتر مصدق به احمدآباد محل اقامت خود رفته و سکوت اختیار کرده بود. در روز 29 تیر ماه آیتا... کاشانی در مصاحبه با خبرنگاران داخلی و خارجی اعلام کرد که «اگر قوام نرود اعلام جهاد می‌کنم و خودم کفن پوشیده با ملت در پیکار شرکت می‌نمایم.»

پس از این موضعگیری قاطع، در سیام تیر ماه بازار تعطیل شد و مردم به خیابانها ریختند و خواستار سرنگونی قوام شدند. به دستور قوام مردم به گلوله بسته شدند و عده‌ای به شهادت رسیدند.

شاه، وزیر دربار خود را به محضر آیتا... کاشانی فرستاد تا با تطمیع و دادن امتیاز ایشان را به سکوت وادار کند؛ اما آیتا... کاشانی با لحن تند بی وزیر دربار گفت:

«اگر بی درنگ دکتر مصدق بر سر کار باز نگردد، شخصا به خیابان رفته و مبارزه مردم را مستقیماً متوجه دربار می‌کنم.»

سرانجام شاه مجبور شد در مقابل قیام مردم و موضعگیری بی سابقه آیتا... کاشانی عقب نشینی کرده و مصدق بار دیگر در حالیکه وزارت جنگ را نیز به دست آورده بود بر سر کار برگردد. هر چند که از همان ابتدای بازگشت، با آیتا... کاشانی اختلاف پیدا کرد و به نصایح ایشان واکنش منفی نشان داد و سرانجام پس از یکسال، دولت وی بوسیله کودتای 28 مرداد 1332 سرنگون گردید.